

چرایی تشکیل دولت کارآمد و انقلابی

◀ مقدمه

مروری بر عملکرد دولت های دوازده گانه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه دولت های یازدهم و دوازدهم، بیانگر این درس مهم و تاریخی است که حل مشکلات و مسائل اصلی کشور نیازمند مدیرانی کارآمد با ایمان و با انگیزه است که با حضور در میدان کار و عمل، بار مسئولیت اداره کشور را بر دوش کشیده و در عین حل مشکلات مردم، دائماً مؤلفه های قدرت ملی را افزایش داده و در عمل تولید قدرت کنند.

اگرچه ممکن است گفته شود که مدعای مذکور برای همه نظام های سیاسی صدق می کند، ولی در این تردیدی نیست که نظام جمهوری اسلامی به دلیل شرایط خاص و انقلابی و اهداف بلندی که برای آن طراحی شده؛ یعنی تشکیل یک کشور نمونه اسلامی که پیش نیاز تحقق تمدن نوین اسلامی است، علاوه بر مشکلاتی که هر نظام سیاسی با آن مواجه است همواره با حجم گسترده ای از فشارها تحریم ها و تهدیدها از سوی دشمنان بیرونی و معارضان داخلی که تحقق این آرمان ها را بر نمی تابند مواجه بوده و به همین دلیل به رغم تلاش هایی که در ادوار مختلف توسط دولتمردان صورت پذیرفته است، اما برآیند آن آنگونه که بایسته نظام اسلامی است، تحقق نیافته و کشور در مرحله سوم اهداف عالی انقلاب اسلامی دچار مشکل شده است. برای شناخت چگونگی و چرایی این مهم اشاره به بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در سالهای گذشته در تحلیل مراحل پنجگانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی، ضروری است.

معظم له در ترسیم مراحل پنجگانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی یادآور می شوند که «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد ایجاد تمدن نوین اسلامی است». ایشان با اشاره به محقق شدن دو گام اول یعنی پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی، «ایجاد دولت اسلامی» را سومین گام از فرآیند اهداف اسلامی معرفی می کنند، اما اقدامات صورت گرفته در این مرحله را ناکافی دانسته و معتقدند که به علل مختلف، هنوز دولت اسلامی به معنای واقعی آن تحقق نیافته است رهبر معظم انقلاب درباره معنای دولت اسلامی می فرمایند:

معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم.

دولت اسلامی یعنی تشکیل منش و روش دولتمردان- یعنی ماها- اسلامی باشد. ایشان در جای دیگر تأکید می‌کنند که اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پوینده‌یی که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نُکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. رهبر انقلاب در تشریح وضعیت فعلی دولت اسلامی می‌فرمایند: «امروزه دولت ما، یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است، سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی دارد، اما کافی نیست، و در جایی دیگر با اشاره به نقش مهم مسئولین در تحقق دولت اسلامی می‌فرمایند: تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را- که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند- می‌طلبد؛ این می‌شود دولت اسلامی و در جای دیگر می‌فرمایند: «دولت اسلامی‌یی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است.»

اگرچه محاسبه سهم عوامل موثر در چرایی عدم تحقق اهداف انقلاب به ویژه در مرحله سوم آن یعنی تشکیل دولت اسلامی نیازمند ارزیابی دقیق‌تر میدانی است، ولی توجه به چند واقعیت عینی و مهم درک رسالت تاریخی مردم ایران در این شرایط حساس را آسانتر می‌کند:

اول: روند فزاینده فشارها و تحریم‌های دشمنان علیه مردم ایران در طی ۴۲ سال گذشته که اوج آن را باید در دوران ۴ ساله رژیم سابق حاکم بر آمریکا در اعمال فشار حداکثری علیه مردم ایران دید، بیانگر آن است که دشمنان اعتلاء و عزت ایران را بر نمی‌تابند و به همین دلیل از آن جا که در مهار توان دفاعی و نفوذ منطقه‌ای ایران ناکام مانده‌اند، تلاش داشته و دارند که از طریق جدا کردن مردم ایران از نظام اسلامی با قطع دسترسی آنها حتی به "نان" برای خوردن، به این هدف دست یابند. مقابله با دشمنی دشمنان نیازمند انتخاب دولتمردانی باورمند به این صحنه و تجهیز عزم ملی و تلاشهای مجاهدانه برای مقابله با آن است که به طور طبیعی در دولتی انقلابی و کارآمد محقق می‌شود.

دوم: به رغم صلاحیت نسبی اغلب مدیران، اما ویژگی‌های فردی و نحوه زندگی برخی از آنها سبب گردیده است که مشکلات زندگی توده‌های مردم برای آنها قابل لمس نباشد. مدیریت با ثروت هزاران میلیاردی که البته نحوه دسترسی اش به این ثروت قابل بحث است، هیچ‌گاه نمی‌تواند اقشار محروم جامعه را درک کند تا برای آنها مجاهدانه به میدان آمده و به زیر بار مشکلات برود و به همین دلیل است که در سالهای اخیر در نحوه سیاست‌گذاری برای ارز و توزیع آن، نحوه قیمت‌گذاری کالاها در شوره‌های تخصصی و بورس کالاها و... آنچه

اهمیت دارد منفعت کلان سرمایه داران است تا توده‌های مردم و به همین دلیل است که نظر سنجی آنها نسبت به رضایت مردم هم باید از پشت شیشه‌های اتومبیل‌های ضد گلوله چند میلیاردی صورت گیرد تا حضور در میدان میان مردم و لمس و درک مشکلات و مصائب آنها.

سوم: عدم باور به توانمندی‌های داخلی و نگاه به بیرون نیز عامل دیگری است که در عین تشدید وابستگی کشور به سیاست‌ها و راهبردهای بیگانگان و شرطی شدن مردم به آن، کشور با یک رشد نامتوازن در عرصه‌های مختلف مواجه است. یعنی در شرایطی که در عرصه دفاعی و نظامی به رغم گسترده تر بودن تحریمها، کشور در برابر قدرتمندترین ارتش‌های جهان به توان بازدارندگی رسیده است، اما در عرصه تامین مایحتاج عمومی مردم و تامین خوراک دام و طیور به رغم بهره‌گیری از متنوع‌ترین آب و هوای جهان و سرزمین‌های حاصل خیز نتوانسته در تامین نیازها موفق باشد و مردم باید جهش‌های دوره ای قیمت‌ها را تحمل کنند.

چهارم: عدم باور به اصول و مبانی دینی و سیاست‌های کلی نظام، برخی از مسئولین را به برخوردهای دوگانه چه در زندگی شخصی و چه در سیاست‌ها و راهبردهای اداره کشور دچار کرده است. این امر سبب شده است که کسانی که در مقاطعی از تاریخ کشور، عهده‌دار اداره کشور بودند، خود زمینه‌ساز شکل‌گیری فتنه‌های مهم شده‌اند که فتنه‌های تیر ۷۸ و خرداد ۸۸ نمونه‌ای از آن است. در سال‌های اخیر نیز می‌توان به بی‌توجهی به سیاست‌های کلی نظام را در موارد مختلفی نظیر عمل به سند ۲۰۳۰ یا بی‌توجهی به سند جامع مهندسی فرهنگی کشور و یا طرح عفاف و حجاب و ... مشاهده کرد. به نظر می‌آید سوگندی را که مبتنی بر قانون اساسی مدیران اجرایی کشور یاد کنند، به دلیل تعلقات فکری متفاوت با آرمان‌های انقلاب، قرار نیست در عرصه عمل محقق شود.

مجموعه این عوامل و مولفه‌های دیگری که در این مجال امکان پرداخت آن نیست، بیانگر مسئولیت تاریخی مردم ایران در این مقطع مهم از تاریخ انقلاب اسلامی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و زمینه سازی برای تشکیل کشور اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی از طریق روی کار آوردن یک دولت کارآمد، مومن و انقلابی در چهل و سومین بهار انقلاب، در انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ است. انتخاباتی که اگرچه ممکن است مانند سایر انتخابات کشور باشد ولی به دلیل اهمیت این شرایط حساس، نیازمند اهتمام و توجه نیروهای مؤمن به انقلاب برای تحقق مشارکت پر شور در عین هوشیاری نسبت به جنگ روانی دشمن است که متأسفانه اغلب در تغییر نتیجه انتخابات موثر بوده است.